

وسایل اثبات دعوا در فقه و قانون و مقایسه آن

تحقیق: قندآغا "مبشر" محصل سمستر پنجم پوهنهی شرعیات

استاد رهنما: محترم محمد عارف "مدنی"

چکیده

دعوا یک امری ناخوشایند نزد انسان ها میباشد، علی رغم این ناپسند بودن؛ دعوا صورت میگیرد و در بعضی حالات، دعوا سال ها طول میکشد تا فیصله گردد، ضرورت دانسته میشود تا در نحوه اثبات آن تمرکز صورت گیرد تا از ضایع شدن حق جلوگیری شود. سوال که اساس تحقیق را به خود معطوف میسازد این است که: وسایل اثبات در فقه کدام ها است؟ و یا در قانون کدام ها است؟ آیا وسایل اثبات دعوا در فقه و قانون اختلاف دارد یا خیر؟ بر این اساس تحقیق این مقاله برای جواب به همین سوالات صورت گرفته است. روش کار در این مقاله کتابخانه یی و استقرایی میباشد. حاصل این تحقیق این است؛ وسایل اثبات که در فقه و قانون نام برده شده یکی بوده و تفاوت میان شان وجود ندارد. و کوشش صورت گرفته تا موضوعات؛ چی از کتب فقهی و یا اصول محکومات مدنی افغانستان به شکل مستدل بیان گردد.

کلید واژه: وسایل، دعوا، اثبات، قانون، اقرار، بینه، شهود.

مقدمه

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم اما بعد:

دعوا پدیده ای انکار ناشدنی است خصوصاً در جوامع بشری؛ که روز به روز جوامع گسترده شده میروند و لزوماً دعوا پیش می آید، قسمیکه گفته شده اسباب به وجود آمدن دعوا چند چیز است؛ هوا و هوس، ابهام حق و باطل، اتلاف حق. پس برای حل و فصل دعوا محاکم به وجود آمده، از آنجاییکه قاضی فقط دعوا را قضاوت می نماید در حالیکه در آن دعوا حضور نداشته تا حق و باطل را بشناسد و بعد حکم نماید وسایل یا اسباب اثبات دعوا به وجود آمده و این اسباب را اسلام عزیز به بهترین اشکال آن بیان نموده. و لازم است تا این وسایل در روشنایی فقه به بحث گرفته شود، چون قانون هم این وسایل اثبات را از فقه گرفته لازم دانسته میشود تا مواد آن هم مورد بررسی قرار گیرد. و در این مقاله در مورد اسباب دعوا بحث و بررسی صورت گرفته، از دو دیدگاه. از دید فقهی و از دید قانون مدنی افغانستان که فقها بعضاً اسباب دعوا را منحصر به چند عدد میدانند و این رای جمهور فقها است. که باز در این تعیین عدد آن هم اختلاف دارند؛ بعضی فقها آنرا هفده وسیله اثباتیه میدانند و بعضی دیگر پانزده وسیله، و بعضی هفت و بعضی دیگر هم شش وسیله. ولی فقهای متاخرین میگویند؛ به هر وسیله که حق نزد قاضی ثابت گردد وسیله اثبات میباشد و منحصر به چند وسیله نمیدانند. وسیله اثبات را هم در اصول محاکمات مدنی در ماده؛ ۲۷۱ و در ماده؛ ۲۸۱ بیان نموده که در مکان آن ان شاء الله بیان خواهد گردید.

(۱) اهمیت تحقیق



دعوا پدیده‌ی انکار ناپذیر است در میان انسان‌ها؛ پس اثبات حق و ناحق ضرورت به اسباب و وسایل دارد، که در این مقاله جمع آوری شده. و همچنان دانستن اینکه آیا وسایل اثبات دعوا در فقه و قانون اختلاف دارد یا خیر.

(ب) پیشینه تحقیق

در مورد ادله اثبات دعوا که در فقه و قانون صورت گرفته، با نام بردن چندتای اکتفا مینماییم؛

• ادله اثبات دعوا در حقوق مدنی از دیدگاه فقه و حقوق افغانستان؛ این اثر پایان نامه بوده که مؤلف آن محمد حسین مظفری میباشد.

• راه‌های علمی اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی؛ این اثر؛ ادله اثبات دعوا را در فقه و قانون ایران به بحث گرفته که نویسنده آن طاهره فرمنش و علی تقی‌خانی بوده به زبان فارسی نوشته شده.

(ج) پرسشهای تحقیق

وسایل اثبات دعوا در فقه کدام‌ها است؟

وسایل اثبات دعوا در اصول محاکمات مدنی افغانستان کدام‌ها است؟

آیا وسایل اثبات دعوا در فقه و قانون فرق دارند؟

(هـ) اهداف تحقیق

در تحقیق این موضوع اهداف ذیل در نظر بوده:

- بیان وسایل اثبات دعوا در فقه.
- بیان وسایل اثبات دعوا در اصول محاکمات مدنی افغانستان.
- مقایسه وسایل در فقه و قانون.

(ز) روش تحقیق

تحقیق این موضوع بصورت کتابخانه‌ی و استقرایی میباشد.

گفتار اول: مفاهیم و کلیات

جزء اول: مفهوم وسایل

الف: وسایل جمع وسیله است به معنی اسباب و لوازم!

^۱ - سایت آبادیس-دهخدا- abadis.ir.translator

ب: در اصطلاح: الطرق المفضیه الی المقاصد! مفهوم: راه هایی که به مقاصد منتهی میشود. پس ما در این مقاله بر راه های جستجو داریم که برای مقصد اثبات دعوا استفاده میشود.

جزء دوم: مفهوم اثبات

الف: در لغت به معنی اقامه دلیل است بر صحت ادعاء^۱.

ب: در اصطلاح: اقامه دلیل است نزد قاضی به طریقه هایی که شریعت مشخص کرده، بر حق و یا بر یک واقعیت معین، که آثار(حکم) بر آن مرتب میگردد.^۲

جزء سوم: مفهوم دعوا

الف: دعوا در لغت: ابن عقیل گفته: دعوی به معنی طلب است. قسمکیه الله متعال فرموده است: { ولهم ما یدعون/ یس ۵۷}. یعنی برای (اهل بهشت) است آنچه را که طلب میکنند.^۳

ب: دعوا در اصطلاح: در قضا چنین تعریف شده: قول یطلب به الانسان إثبات حق علی الغیر^۴. مفهوم: قول است که توسط آن انسان طلب می نماید، برای اثبات حق بالای کسی دیگر.

در مجله الاحکام العدلیة چنین تعریف کرده(ماده؛ ۱۶۱۳): طلب حق است نزد حاکم از کسی دیگری.^۵

جزء چهارم: مفهوم مقایسه

چیزی یا کسی را با چیزی یا کسی دیگر اندازه گرفتن و سنجیدن.^۶

گفتار دوم: بررسی وسایل اثبات در فقه و قانون و مقایسه آن:

در این مبحث وسایل اثبات در فقه و قانون را مورد بحث و بررسی خواهیم گرفت. و بعد از آن وسایل اثبات در فقه و قانون را باهم مقایسه مینماییم که در وسایل اثبات دعوا در فقه و قانون باهم فرق دارد یا خیر .

جزء اول: بررسی وسایل اثبات دعوا در فقه

وسایل اثبات دعوا را بعضی فقها محصور به چند وسایل میدانند، که این فقهای جمهور هستند؛ ولی در تعیین عدد ها آنها اختلاف دارند؛ بعضی شان هفت وسیله میگویند: که عبارت از بینه، اقرار، یمین، نکول، قسامه، علم قاضی، قرینه قاطعه. و بعضی شان شش وسیله میدانند؛ که عبارت از: بینه، اقرار، یمین، نکول، قسامه، علم قاضی. و بعضی فقها به سه وسیله حصر می نمایند و بعضی به پانزده وسیله همینطور بعضی شان هفده

۱- القرافی، احمد ابن ادریس، انوار البروق فی انواع الفروق، ناشر؛ عالم الکتب، ج ۲، ص ۴۲.

۲- ابراهیم مصطفی و جمع دیگر علما، المعجم الوسیط، ناشر؛ دار الدعوة (۹۳/۱).

۳- الزحلی، محمد، وسایل الاثبات فی شریعة الاسلامیه فی المعاملات المدنیة والاحوال الشخصیة، ناشر؛ مکتب دار بیان (۲۳/۱)

۴- المقدسی، ابو محمد موفق الدین عبدالله، المغنی، دارالفکر- بیروت، ج ۱۲، ص ۱۶۳

۵- ابو حبیب، الدكتور سعید، القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً، ص ۱۳۱، دار الفکر. دمشق - سوریه

۶- مکتوبه من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، مجلة الأحكام العدلية، ناشر؛ کارخانه تجارت کتب. ص ۳۲۰

۷- سایت آبادیس- دهخدا- abadis.ir.translator URL

وسيله ميگويند. ولي بعضی فقها وسايل اثبات را محصور به چند وسيله نميدانند و ميگويند که هر وسيله ای که حق ثابت بسازد به آن قاضی حکم نمايد؛ کسانی که اين رای هستند مشهور شان ابن تيميه و ابن قيم رحمهما الله هستند.^۱

ولي بخاطر که بحث طولانی نگردد فقط چند وسايل اثبات را تشریح می نماييم که در قانون هم به حيث وسيله اثبات بوده تا مقارنه گردد .

الف) اقرار

اقرار در لغت: به معنی اقرار است.^۲ يقال: أقر بالحق: گفته می شود؛ اقرار به حق نمود.^۳

اقرار در اصطلاح: اعلانی است که هر گونه تردید و تهمت را از اقرار کننده می زداید؛ چرا که هیچ فرد عاقلی خود را به نحو که متضرر سازد تکذیب نمکند.^۴

حجیت اقرار

الف در قرآن کریم: وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (آل عمران/ ۸۱)

ب: در سنت: اقرار ماعز رضی الله عنه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: لَمَّا أَتَى مَاعِزُ بْنُ مَالِكِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ: «لَعَلَّكَ قَبَلْتَ، أَوْ غَمَزْتَ، أَوْ نَظَرْتَ» قَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «أَنْكَبْتَهَا». لَا يَكْنِي، قَالَ: فَعِنْدَ ذَلِكَ أَمَرَ بِرَجْمِهِ.^۵

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما گفت: وقتیکه ماعز ابن مالک (برای اقرار زنا) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد. آن حضرت به او گفت: شاید آن زن را بوسیده ای، یا در آغوش گرفته ای یا به وی نگرسته یی؟ ماعز گفت: نی یا رسول الله، فرمود: آیا با وی جماع کردی؟ آن حضرت به کنایه نگفت (بی پرده گفت) آنگاه به سنگسار وی امر کرد.

ب) شهادت

در لغت: شهادت مصدر شهد است. در لغت به معنی خبر قاطع میباشد.^۶

در اصطلاح: هی اخبار صادق لإثبات حق بلفظ الشهادة فی مجلس القضاء: خبر دادن شخص صادق است باری اثبات حق به لفظ شهادت در مجلس قضا.^۷

^۱ - عثمان، محمد رأفت، النظام القضایی فی الفقه الاسلامی، ناشر دارالبيان ص ۲۷۰-۲۷۱.

^۲ - المغنی، اثر قبلی، ج ۵، ص ۲۷۱

^۳ - الحنفی الرازی، زین الدین أبو عبد الله محمد، مختار الصحاح، المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صیدا، ص ۲۵۰ (باب؛ ق، قرر)

^۴ - بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، اثر قبلی، ج ۲، ص ۳۵۸

^۵ - البخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح بخاری، محقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، ناشر؛ دار طوق النجاة، ج ۸، ص ۱۶۸

^۶ - أبو عبد الله، محمد، المطلع علی أبواب الفقه، ناشر: المكتبة الإسلامية، ص ۴۷.

^۷ - ابوبکر، عوض عبد الله، نظام الإثبات فی الفقه الإسلامی، مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، ج ۵۹، ص ۹۴.



حجیت شهادت

الف در قرآن کریم: فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى (بقره/ ۲۸۲).

ب: در سنت: از وائل بن حجر روایت است. که گفت: جاء رجل من حضرموت ورجل من كنده إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال الحضرمي: يا رسول الله إن هذا غلبني على أرض لي فقال الكندي: هي أرضي وفي يدي فليس له فيها حق فقال النبي صلى الله عليه وسلم للحضرمي: ألك بينة؟ فقال: لا. قال الترمذي هذا حديث حسن صحيح^۱.

مردی از حضر موت و شخصی از كنده آمدن، نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم، حضرمی گفت: ای رسول الله (تصرف) کرده زمین من را. کندی گفت: این زمین من است و در تصرف من است، حق او نیست، پیامبر صلى الله عليه وسلم به حضرمی گفت: آیا بینة^۲ داری؟ گفت: نخیر.

ج) بینة

بینة وسیله ای از وسایل اثبات است به اجماع علما^۳. اولی علما بر مراد بینة اختلاف دارند؛ جمهور علما بینة را مرادف با شهود میدانند. اولی نزد ابن تیمیه و ابن قیم رحمهما الله عامتر از آن است؛ یعنی با هر چیزی که حق واضح میگردد شامل بینة است.^۴

مشروعیت: در حدیث؛ لو يعطى الناس بدعواهم لادعى رجال دماء رجال وأموالهم، ولكن اليمين على المدعى عليه» وفي رواية البيهقي: «ولكن البينة على المدعى، واليمين على من أنكر»^۵.

ترجمه: اگر دعوی مردم برشان داده شود، یقیناً مردم دعوی خون و مال مردم را خواهند کرد، مگر یمین بر مدعی علیه است. و در روایت بیهقی آمده « مگر بینة بر مدعی است و قسم بر کسیکه انکار مینماید».

د) یمین

در لغت: به معنی قسم است.^۶

در اصطلاح: تاکید بر یک چیز یا برحق یا به یک کلام است برای اثبات و یا نفی، به ذکر اسم الله متعال و یا صفات او تعالی.^۷

۱ - المغنی، اثر قبلی، ج ۱۲، ص ۳

۲ - بینة نزد جمهور به معنی شهادت است.

۳ - النظام القضایی فی الفقه الاسلامی، اثر قبلی ص ۳۰۶.

۴ - النظام القضایی فی الفقه الاسلامی، اثر قبلی ص ۳۰۶.

۵ - ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، الطرق الحکمیة، ناشر مکتبه دارالبیان، ص ۱۴

۶ - البيهقي، أحمد بن الحسين، السنن الصغير للبيهقي، ناشر؛ جامعة الدراسات الإسلامية، كراچی - باكستان، ج ۴، ص ۱۸۸.

۷ - الزحيلي، د. وهبه بن مصطفى، الفقه الاسلامی و ادلته، ناشر؛ دارالفكر سوریه دمشق، ج ۸، ص ۶۰۶۱.

۸ - الفقه الاسلامی و ادلته، اثر قبلی ج ۸، ص ۶۰۶۱.



مشروعیت

در قرآن کریم؛ لَا يُؤْخَذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّعْنَةِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤْخَذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ (المائدة ۸۹).

در حدیث؛ لو يعطى الناس بدعواهم لادعى رجال دماء رجال وأموالهم، ولكن اليمين على المدعى عليه» وفي رواية البيهقي: «ولكن البيئة على المدعى، واليمين على من أنكر»^۱؛
ترجمه: اگر دعوی مردم برشان داده شود، یقیناً مردم دعوی خون و مال مردم را خواهند کرد، مگر یمین بر مدعی علیه است. و در روایت بیهقی آمده « مگر بیینه بر مدعی است و قسم بر کسیکه انکار مینماید».

(د) نکول

در لغت: نکول جمع نکل است به معنی امتناع.^۲

در اصطلاح: امتناع از قسم (یاد نمودن) در وقت دعوا نزد حاکم.^۳

نکول در نزد مالکیه و شافعیه و در یک رای از حنابله؛ حجت نیست که توسط آن بالای مدعی علیه قضاوت گردد. بلکه به طلب مدعی علیه یمین بر مدعی راجع میگردد.^۴ و نزد احناف وقتی مدعی علیه امتناع کرد از قسم؛ بر علیه اش حکم کرده میشود.^۵

جزء دوم: بررسی وسایل اثبات دعوا در قانون (اصول محاکمات مدنی افغانستان):

قانون در مورد وسایل اثبات ماده هایی را بیان نموده که در اصول محکامات مدنی فصل پانزدهم ماده (۲۷۲) چنین نگارشته: وسایل ثبوت که اسباب حکم را تشکیل میدهند قرار ذیل است؛ اقرار، بیینه (اسناد، شهود، قرائن قاطعه و مستنبطه)، سوگند، نکول. و در ماده ۲۸۱ مدارک اثباتیه گفته است؛ اسناد، شهادت شهود، و قرائن.

(الف) اقرار

ماده (دوصد و هفتاد و سوم) قانون اصول محاکمات مدنی چنین اقرار را تعریف نموده است: اقرار عبارت از اقرار به امری است؛ در محکمه که بقای حق طرف دعوا و یا حالتی را علیه مقرر ثابت سازد.

(ب) بیینه (اسناد، شهود، قرائن قاطعه و مستنبطه)

• **اسناد:** در ماده ۹۹۱ قانون اصول محاکمات مدنی اسناد را به دو بخش تقسیم نموده. ۱- اسناد رسمی. ۲- اسناد عرفی .

^۱ - السنن الصغیر للبيهقي، اثر قبلی ج ۴، ص ۱۸۸.

^۲ - سایت المعانی؛ <https://www.almaany.com>

^۳ - اثری قبلی.

^۴ - جمع از علماء، صادر کننده؛ الموسوعة الكويتية الفقهية، وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ج ۱، ص ۲۴۲.

^۵ - اثر قبلی.



اسناد رسمی: در ماده ۹۹۱ فقره یکم چنین تحریر میدارند سند رسمی ورقی است که موظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاصی خویش آنچه را به حضور شان گزارش میابد یا از اشخاص ذیعلاقه کسب میکند. در آن درج و ثبت نموده باشند.

اسناد عرفی: در ماده ۹۹۱ فقره دوم چنین تحریر میدارند در صورتیکه ورق مذکور صفت سند رسمی را کسب ننموده، مگر اشخاص ذیعلاقه به آن امضاء، مهر یا نشان انگشت نموده باشند، حیثیت سند عرفی را دارد.

• **شهادت:** تعریف شهادت شهود در قانون اصول محاکمات مدنی ماده ۳۲۱ چنین ذکر شده؛ شهادت عبارت است از اخبار به حق در مجلس قضا به لفظ اشهد.

• قراین (قاطععه و مستنبطه):

قرینه قاطعه: قرینه قاطعه را در اصول محاکمات مدنی ماده ۳۳۸ چنین بیان نموده: قرینه قاطعه آن است که به دلالت آن وجود یک امر مجهول معلوم میگردد. این دلالت قرینه را به حد یقین رسانیده از ظاهر آن در اصل موضوع متنازع فیها استفاده بعمل می آید.

قرینه مستنبطه: تعریف قرینه مستنبطه در قانون اصول محاکمات مدنی ماده ۳۳۹ چنین ذکر شده: قرینه مستنبطه قرینه است که محکمه از حالات مربوط به دعوا و جریان محاکمه آنرا استنباط و بعد به حیث دلیل در حکم خود به آن اتکا مینماید.

(ج) شهادت: ماده "321" چنین تعریف میکند: شهادت شهود عبارت از اقرار به حق در مجلس قضا به لفظ اشهد.

(د) سوگند

تعریف سوگند در قانون اصول محاکمات مدنی ماده "۳۴۰" چنین ذکر شده: سوگند و نکول از سوگند: هرگاه مدعی از ارایه وسایل و مدارک اثباتیه دیگر در محکمه عاجز بماند میتواند به مدعی علیه توجیه سوگند نماید در این صورت محکمه به اثر مطالبه مدعی، مدعی علیه را سوگند میدهد.

(ه) نکول

تعریف نکول در قانون اصول محاکمات مدنی ماده "۳۴۶" چنین ذکر شده: در صورتیکه مدعی علیه از سوگند نکول نماید محکمه او را به رد و یا سپردن مدعی بها به مدعی محکوم میسازد.

جزء سوم: مقایسه وسایل اثبات در فقه و قانون

قسمیکه در گفتار دوم مواد وسایل اثباتیه در فقه و قانون بحث شد؛ وسایل اثبات که در فقه و قانون نام برده شده یکی بوده و تفاوت میان شان وجود ندارد، و تفاوت در مدرک بودن این وسایل وجود ندارد، ولی از نظر اینکه اقرار و یا دیگر وسایل اثباتیه در فقه چی جایگاه دارد و یا در قانون از بحث این مقاله خارج است.



جمع بندی و نتیجه گیری

طور که بحث شد؛ دعوا در لغت به طلب است و در اصطلاح؛ قول است که توسط آن انسان طلب می نماید، برای اثبات حق بالای کسی دیگر. وسایل اثبات دعوا نزد فقها محصور و غیر محصور میباشد. جمهور علما قایل به محصور بودن وسایل اثبات دعوا هستند ولی در عدد آن اختلاف داشتند که قایل به از سه عدد بودن وسایل اثبات دعوا تا هفده عدد هم دارند. ولی فقهای متاخرین نظر شان این که به هر وسیله یی که حق نزد حاکم یا قاضی ثابت گردد وسیله اثبات دعوا شمرده میشود. ولی چیزی که در این مبحث نیاز بود بررسی این وسایل و مقایسه آن با قانون بود پس اکتفا به همان وسایل شد که در قانون و فقه وسایل اثبات دانسته شده. که در فقه و قانون به؛ اقرار، بینة، شهادت، یمین، و نکول وسایل اثبات دعوا گفته شده است. و همچنان دیده شد که وسایل اثبات در فقه و قانون یکسان بود . والله اعلم.



منابع و مأخذ

١. قرآنكريم
٢. البخارى، محمد ابن اسماعيل، صحيح بخارى، محقق محمد زهير بن ناصر الناصر، ناشر؛ دار طوق النجاء
٣. البيهقى، أحمد بن الحسين، السنن الصغير للبيهقى، ناشر؛ جامعة الدراسات الإسلامية، كراچى - باكستان
٤. ابن القيم الجوزيه، محمد بن ابى بكر، الطرق الحكيمه، ناشر مكتبه دار البيان
٥. أبو حبيب، الدكتور سعدى، القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً، ص ١٣١، دار الفكر. دمشق - سوريه
٦. أبو عبد الله، محمد، المطلع على أبواب الفقه، ناشر: المكتب الإسلامى
٧. ابراهيم مصطفى و جمع ديگر علماء، المعجم الوسيط، ناشر دار الدعوة
٨. ابوبكر، عوض عبد الله، نظام الإثبات فى الفقه الإسلامى، مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة
٩. جمع از علماء، صادر كنده؛ الموسوعة الكويتية الفقهيّة، وزارت اوقاف و شؤون اسلامى كويت
١٠. الحنفى الرازى، زين الدين أبو عبد الله محمد، مختار الصحاح، المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صيدا
١١. الزحيلي، د. وهبه بن مصطفى، الفقه الاسلامى و ادلته، ناشر؛ دار الفكر سوريه دمشق.
١٢. الزحيلي، محمد، وسايل الاثبات فى شريعة الاسلاميه فى المعاملات المدنيه والاحوال الشخصيه، ناشر؛ مكتب دار بيان
١٣. سايت آباديس-دهخدا- abadis.ir.translator
١٤. سايت المعانى؛ <https://www.almaany.com>
١٥. عثمان، محمد رأفت، النظام القضائى فى الفقه الاسلامى، ناشر دارالبيان
١٦. القرافى، احمد ابن ادريس، انوار البروق فى انواء الفروق، ناشر؛ عالم الكتب،
١٧. المقدسى، ابو محمد موفق الدين عبدالله، المعنى، دارالفكر- بيروت،
١٨. مكونة من عدة علماء وفقهاء فى الخلافة العثمانية، مجلة الأحكام العدلية، ناشر؛ كارخانه تجارت كتب.

